

آنا آخماٲوا و مشرق زمين

دکٲر مرضيه يحيى پور



ٲرديكٲه علوم انساني و اطلاعات ترسي

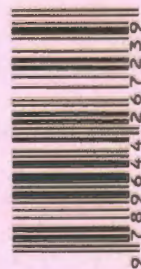
شوراى بررسى متون و كتب علوم انسانى

АННА АХМАТОВА

И

МИР ВОСТОКА

Марзие Яхьяпур



۱۸۰۰۰ تومان

آنا آخمتوا

و

مشرق زمین

دکتر مرضیه یحیی پور

(استاد دانشگاه تهران)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۲

سرشناسه: یحیی پور، مرضیه،
عنوان و نام پدیدآور: آنا آخمتوا و مشرق زمین / مرضیه یحیی پور.
مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۳۵۹ص: مصور (بخشی رنگی).
شابک: 978-964-426-723-9
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: آخمتوا، آنا آندری یونا، ۱۸۸۸-۱۹۶۶ م. -- نقد و تفسیر
موضوع: شاعران روسی -- قرن ۲۰ م -- سرگذشته
شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ ی۷۷/۳ PG۳۴۴۳
رده بندی دیویی: ۸۹۱/۷۱۴۲
شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۴۰۰۳۷



آنا آخمتوا و مشرق زمین

مؤلف: دکتر مرضیه یحیی پور
ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیر نشر: ناصر زعفرانچی
ناظر چاپ: مجید اسماعیلی زارع
آماده سازی: عرفان بهار دوست
طراح روی جلد: مجید اکبری کلی
اجرای جلد: فرزانه صادقیان
چاپ اول: ۱۳۹۲
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: العنبر
ردیف انتشار: ۹۳-۳

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

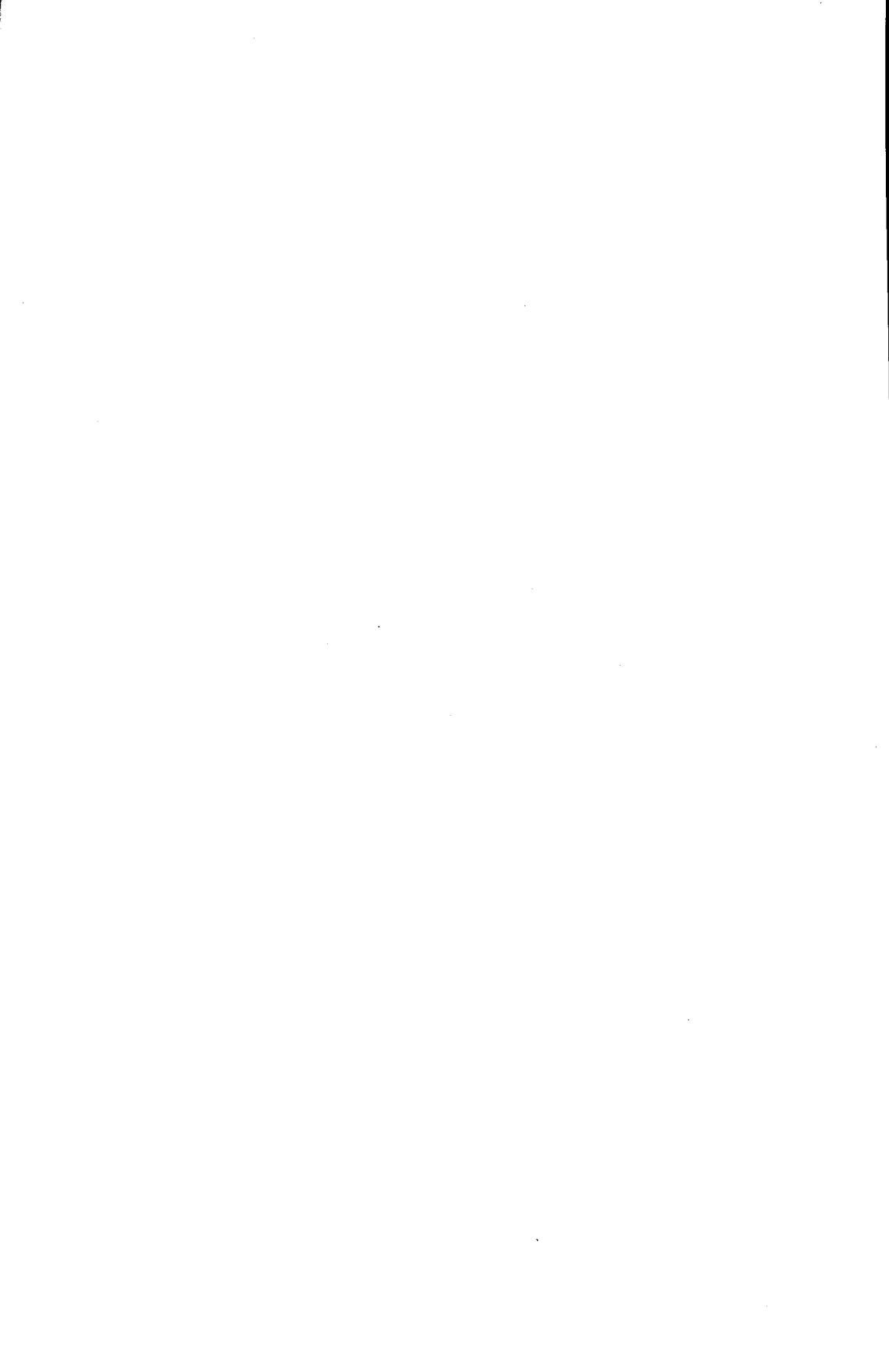
ISBN 978-964-426-723-9

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۶-۷۲۳-۹

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵۶۴۱۹، تلفن: ۸۸۰۴۶۸۹۱۳، فاکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

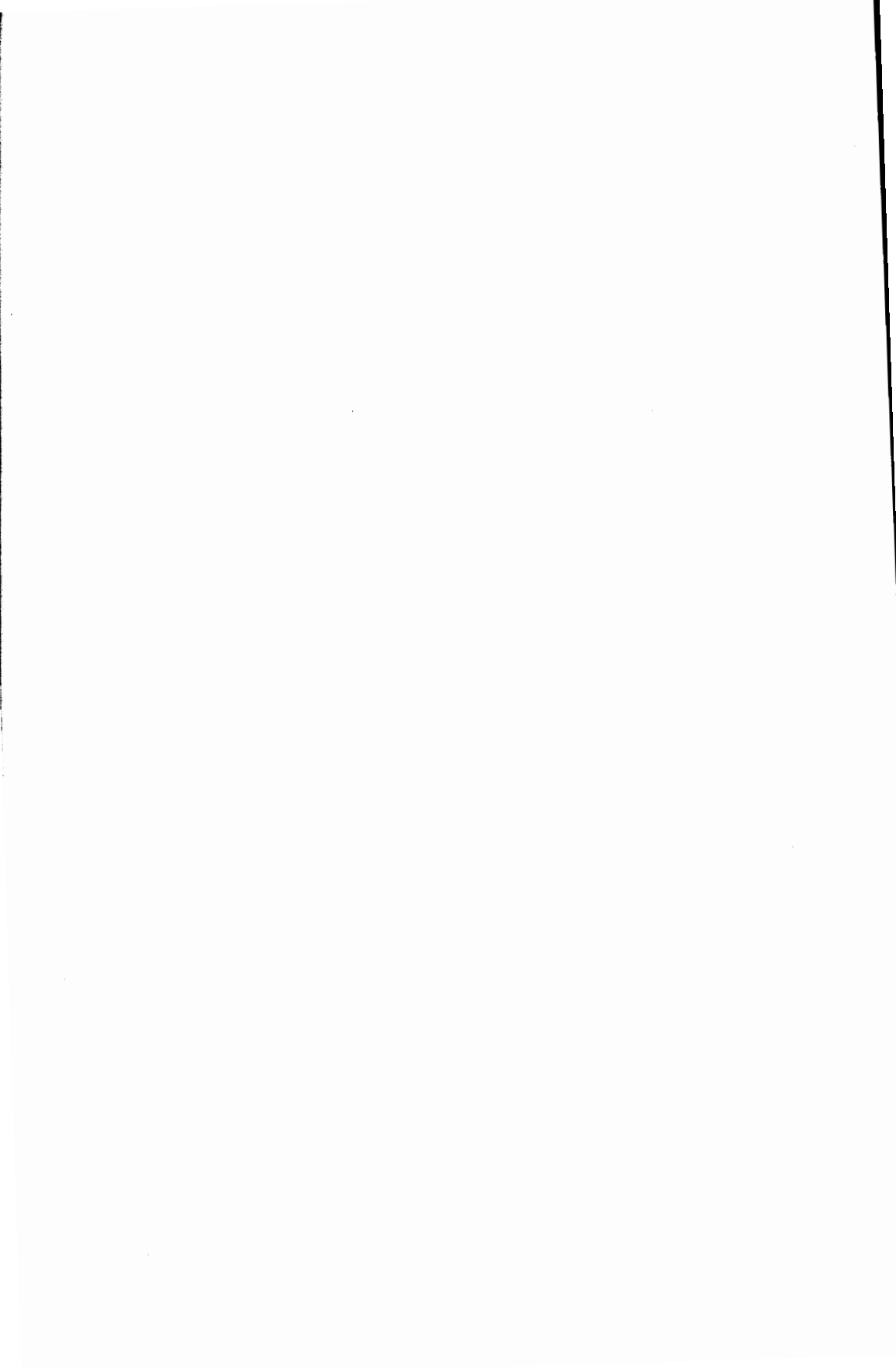


آنا آخمانووا



فهرست

صفحه	عنوان
۹	پیشگفتار.....
۱۳	فصل اول زندگی و آثار آنا آخماتیوا.....
۱۱۹	فصل دوم نقش مایه‌های اصلی اشعار آنا آخماتیوا.....
۱۶۹	فصل سوم شرق در اشعار آنا آخماتیوا.....
۲۲۳	فصل چهارم باریس انیخباثوم: «آنا آخماتیوا - تجربه تحلیل».....
۳۴۲	خلاصه سال‌شمار زندگی آنا آخماتیوا.....
۳۴۵	فهرست اشعار.....
۳۵۵	کتابنامه.....



تقدیم به والدین بزرگوارم، خیرین و خادمان علم،

روحشان شاد.

پیشگفتار

پژوهشگران و خوانندگان ادبیات روسیه در ایران، امروزه بیش از هر زمانی مشتاق آشنایی با آثار نویسندگان معاصر روسیه هستند. این کار کم‌وبیش به کمک ترجمه صورت گرفته و می‌گیرد، اما لازم است با توجه به کثرت فارغ‌التحصیلان رشته زبان و ادبیات روسی ترجمه آثار از روسی به فارسی با جدیت بیشتری دنبال شود. رسیدن به پایان این کار بزرگ، سال‌ها زمان می‌برد و شاید هم غیرممکن باشد، ولی با تلاش می‌توان این کاستی‌ها را به حداقل رساند. البته این مسأله را لازم است در نظر داشت که اکثر متخصصین و خوانندگان ایرانی ادبیات روسیه با آثار نویسندگان سده نوزده چنان مأنوس شده‌اند که جدا کردن آن‌ها از ادبیات غنی «سده طلایی» و پیوستن به سبک‌های جدید و نوین قدری مشکل به نظر می‌رسد. اما زمانی که برای نخستین بار در سال ۱۳۸۴ مقالاتی با رویکردی جدید درباره آثار ایوان بونین برای نخستین بار در ایران با عنوان‌های «بررسی تأثیر مفاهیم قرآنی و شرقی بر اشعار ایوان بونین» در مجله مقالات و بررسی‌ها (دانشگاه تهران) و یا «زندگی و مرگ در داستان آقای از سانفراسیسکو اثر ایوان بونین» در مجله پژوهش زبان‌های خارجی (دانشگاه تهران) چاپ شدند، با استقبال خوبی روبرو شدند. البته با ایوان بونین و آثارش از سال ۱۳۸۳ دانشجویان کارشناسی ارشد ادبیات روسی دانشگاه تهران در کلاس درس بنده هم آشنا می‌شوند. جا دارد در اینجا مراتب خرسندی خود را اعلام دارم که چاپ کتاب *ایوان بونین و مشرق‌زمین* و همین‌طور مقالات مربوط به آثار این نویسنده و شاعر معاصر روسی باعث شد تا امروزه شاهد روی‌آوری متخصصین رشته زبان و ادبیات روسی به آثار این نویسنده بزرگ معاصر روسیه باشیم. همچنین استقبال خوب از کتاب «قرآن در اشعار الکساندر پوشکین» که در سال ۱۳۸۴ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به چاپ رسید، باعث شد تا سلسله کتاب-

های ایوان بونین و مشرق‌زمین (۱۳۸۴)، الکساندر پوشکین و مشرق‌زمین (۱۳۹۰)، میخائیل لرمانتف و مشرق‌زمین (۱۳۹۰)، نیکالای گومیلیوف و مشرق‌زمین (۱۳۹۱) و کتاب حاضر، آنا آخماتووا و مشرق‌زمین نیز نگاشته شوند. مجموعه کتاب‌های دیگری از نویسندگان روس با همین عنوان به‌زودی به بازار خواهد آمد.

کتابی که پیش‌رو دارید درباره آنا آخماتووا یکی از دو شاعره مشهور سده بیستم روسیه است. آنا آندره‌یونا گورنکا (آخماتووا) شاعره سده نقره‌ای ادبیات روسیه چه در زمان حیاتش و چه بعد از آن به‌عنوان محبوبترین شاعر معاصر زن روسیه شناخته شده است. آثارش علاوه بر برخوردار بودن از محبوبیت مردمی، مورد توجه شاعران، نویسندگان و منتقدانی مانند نیکالای گومیلیوف، آندره پلاتونوف، اوسپ ماندلشتام، باریس پاسترناک، الکساندر بلوک، مارینا تسویتایووا، نیکالای نیدا براو، باریس ایخنباثوم و دیگران بود. محبوبیت او سبب شد تا خیابانی را به نام وی در تسارکویه سیلو (روستای نزاری) در پتربورگ، کالینینگراد، اودسا، کی‌یف، تاشکند و مسکو نامگذاری کنند.

آنا آخماتووا به‌همراه همسر اولش، نیکالای گومیلیوف، و چهار شاعر دیگر مکتب آکمه‌ایسم را در روسیه بنیان نهادند. بازتاب این مکتب در اشعار او تأثیر زیبا و ماندگاری به‌جای گذاشته، به‌طوری‌که شعر او را در میان معاصرینش متمایز گردانیده است. در سال ۱۹۱۲ اولین مجموعه شعرش با نام «شامگاه» به چاپ رسید.

اشعار آخماتووا را می‌توان به دو دوره، پیش از سال ۱۹۱۴ و پس از آن تقسیم کرد. اشعار دوره اول شاعر در فرهنگ عامه روسی به اشعار زنانه معروف است. از سال ۱۹۱۴ موضوع وطن و جنگ مضمون کلی آثار او شد و سیمای روسیه به‌عنوان یکی از موضوع‌های اساسی و بنیادی آثار او قرار گرفت. ماندلشتام جوان در سال ۱۹۱۶ اظهار داشت: «در حال حاضر شعر او می‌رود که یکی از نمادهای روسیه کبیر شود.» آخماتووا از همان ابتدا انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه را نپذیرفت و همواره بر عقیده خود پایدار بود، اما در زمان جنگ‌های میهنی کبیر، موضوع وطن، فرهنگ و تاریخ روسیه به‌شکل گسترده از موضوع‌های اساسی اشعار او شد و شاعر با اشعارش به دفاع از میهن در برابر دشمن متجاوز برخاست.

بدگمانی حکومت کمونیستی نسبت به او و خانواده‌اش مشکلات معیشتی و ادبی را نیز برای وی موجب شده بود. در سال ۱۹۴۶ به‌علت سرودن اشعار میهنی از شورای نویسندگان شوروی اخراج شد، سال‌ها انتشار و یا حتی خواندن اشعار او ممنوع بود.

اشعار آخماتووا دربرگیرنده همه مسائل است. عشق به وطن در اشعار عاشقانه‌اش در اوج قرار دارد و در اشعارش دیدگاه‌های دینی - فلسفی شاعر درباره زندگی و معنای آن بیان می‌شود. بی‌دلیل نبود که نیکالای گومیلیوف به او گفت: «تو عشق به پروردگار و روسیه را به من آموختی». کتاب حاضر از چهار فصل تشکیل شده است. در فصل نخست به زندگی و آثار آنا آخماتووا پرداخته شده است. معروفترین مجموعه‌های اشعار آخماتووا «شامگاه»، «تسبیح»، «فوج سپید»، «بارهنگ»، «آنو دومینی/پس از میلاد»، «نی»، «فرد» و «گذرتند زمان» هستند که در این فصل ضمن معرفی اشعار هر کدام از این مجموعه‌ها برای نمونه اشعاری از آن مجموعه نیز آورده شده است. در فصل دوم کتاب به نقش‌مایه‌های اصلی اشعار شاعر پرداخته شده است. او که بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ جلای وطن نکرد و بعدها شاهد جنگ جهانی دوم بود، بخش عمده اشعارش را که مربوط به دوره پختگی است به وطن و جنگ اختصاص داده است. آخماتووا علی‌رغم نامهربانی‌ها از سوی رژیم استالین در اشعارش مانند میهن‌پرست دوآتشه ظاهر شده است. «مجموعه لنینگراد» و «رکویم» از آن جمله است.

فصل سوم به اشعار مرتبط با شرق آخماتووا اختصاص دارد. شاعر حضور در شرق را دوبار تجربه کرد. علاوه بر آن آشنایی او با اشعار شاعران پیشکسوت مانند پوشکین و لرمانتف و معاشرتش با شاعران هم‌عصر که هر یک به دلایلی شیفته شرق بودند شاعر را برآن داشت تا او نیز در مردمان شرقی معرفت و حکمت بیابد و طبیعتش را شگفت‌انگیز ببیند. در اشعار شرقی آخماتووا نیز طنین رود و چهچهه عندهایب شرقی گوش‌نواز و رایحه گل‌های سرخ و یاس ایرانی روح‌نواز است. اصل و نسب خانوادگی و علاقه او به شرق سبب شد تا او خود را «دختر شرقی» بنامد (و ناگهان به یاد می‌آورد، چگونه او سوگند یاد می‌کرد/ تا از دختر شرقی‌اش محافظت کند).

فصل چهارم به اثر باریس میخائیلوویچ ائیخنبانوم با عنوان «آنا آخماتووا - تجربه تحلیل» اختصاص دارد. برای آشنایی با نویسنده این تحلیل در ابتدای فصل شرح مختصری از زندگی و فعالیت‌های ادبی ائیخنبانوم، منتقد تاریخ ادبیات روسیه ارائه گردید. سپس ترجمه اثر وی که از تحلیل‌های پیچیده است با نمونه‌های اشعار آخماتووا به زبان روسی و برگردان به فارسی آورده شده است تا خوانندگانی که به زبان روسی آشنایی دارند هم‌زمان متن روسی آن‌را برای درک بهتر و مقایسه در کنار متن فارسی داشته باشند. در این فصل تلاش شد برای بهتر درک کردن ویژگی‌های

شعری آخماتووا، با آوردن تلفظ روسی واژه‌ها و برخی عبارات در جاهایی که نیاز بود به خوانندگانی که آشنایی با زبان روسی ندارند، کمک شود.

در پایان از دانشجویان کوشا و علاقمند کارشناسی ارشد ادبیات روسی دانشگاه تهران که ترجمه اولیه «آنا آخماتووا - تجربه تحلیل» را جهت کسب تجربه در ترجمه گروهی با راهنمایی و کنترل آن توسط این جانب به عهده داشته‌اند، تشکر می‌نمایم. اسامی دانشجویان به ترتیب الفبا به شرح زیر است: سرکار خانم راهله استاجی آریانی، جناب آقای محمد ایمانی، سرکار خانم‌ها زهره چالویی، سمیه زحمتکش حسین‌آباد، آذین طالبان عقدا و سمیه نوروزی. همچنین از زنده‌یاد سرکار خانم دکتر منور باگدالوا (جزنی) استاد فرهیخته دانشگاه تهران، سرکار خانم دکتر تاتیانا پازدنیاکووا (Татьяна Позднякова) استاد پژوهشی موزه آنا آخماتووا در پتربورگ و سرکار خانم آنیدا سوبولووا (Аида Соболева) به خاطر راهنمایی‌های ارزنده‌شان تشکر می‌نمایم.

مرضیه یحیی‌پور

۵ آذر ۱۳۹۲

فصل اول

زندگی و آثار انا اُخْمَاتِوَا

«برای هیچ چیز ارزش قائل نیستم و هیچ چیز را حفظ نمی‌کنم،
اما، فقط کتاب‌هایتان را به‌عنوان بالش تابوتم با خود خواهم برد!
شما محبوب‌ترین شاعر من هستید.»
مارینا تسوینایووا

آنا آندره‌یونا آخماتووا^۱، شاعر، نویسنده و مترجم در بیست‌وسوم ژوئن ۱۸۸۹ در بالشوی فانتان^۲ در حوالی اودسای اوکراین به دنیا آمد. نام خانوادگی پدری او گورنکا^۳ است، ولی او نام آخماتووا^۴ را برای تخلص شاعری و نویسندگی خود انتخاب کرد. بنا به اظهار خودش این نام به ریشه تاتاری مادربرگش که منسوب به احمدخان از شاهزادگان و نوادگان چنگیزخان بود، برمی‌گردد. «آخماتووا همیشه به اصل و نسب افسانه‌ای خود می‌بالید که منسوب به احمدخان، آخرین خان ایل طلائی^۵ بود. هنگامی که در سال‌های جنگ جهانی دوم به آسیای میانه، تاشکند و سمرقند کوچ اجباری داشت، آن‌جا خاطره دوره تیمورلنگ را به‌خاطر آورده و سفرش را بازگشتی عرفانی تلقی کرد: «حدود هفت صد سال این‌جا نبوده‌ام...» (سینلنیکوف ۲۰۰۸، ۲۶۳).

در شعر «نام» از مجموعه اشعار تاشکند به این مسأله اشاره دارد:

نام

نامی تاتاری و کهن و اسرارآمیز

از زمان‌های دور آمده است...

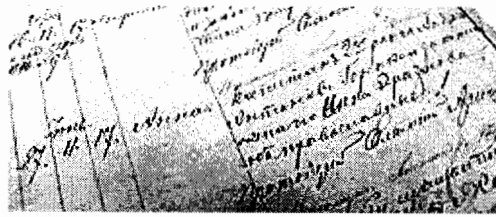
1- Анна Андреевна Ахматова (Anna Andreyevna Akhmateva)

2- Большой Фонтан (Balshoi Fantan) فواره بزرگ

3- Горенко (Gorenka)

۴- نام خانوادگی مؤنث از اسم احمد است. در زبان روسی حرف «ح» وجود ندارد و این حرف در روسی «خ» تلفظ می‌شود. (م.ی.)

۵- Золотая орда (آلتین اُردو - اردوی زرین)، اصطلاحی درباره حکومت اولاد باتو است. این حکومت بعداً به دولت‌های کوچکتری تقسیم شد و سرانجام همه متصرفات آن به دست دولت روسیه تزاری افتاد. برخی معتقد هستند که نام آن، اشاره‌ای به خیمه باتو و حاکمان بعدی او است. آلتان اشاره به نشان امپراطوری مغول نیز دارد. همچنین در برخی منابع ذکر شده است که باتو، چادر (خیمه)‌ای که پایه‌های آن از جنس طلا بود داشت و ایلات طلائی نیز نام خود را از آن گرفته است.



یادداشت تولد آنا آندره‌یونا گورنکا (آخماتووا) در دفتر ثبت
(آرشیو دولتی اودسا)

یا در شعر «از مادر بزرگ تاتاریم...» در بخش اول «قصه انگشتی سیاه»، شاعر به موضوع اصل و نسب خود اشاره کرده است:
...از مادر بزرگ تاتاریم
به ندرت هدایایی دریافت می‌کردم؛
و او حزن‌انگیز غضبناک بود،
چرا من غسل تعمید داده شدم...



خانواده گورنکا

آنیاً^۱ یک ساله بود که خانواده‌اش به تسارسکویه سیلو^۲ (روستای تزاری) در نزدیکی پتربورگ نقل‌مکان کرد. او خواندن را از طریق کتاب آموزشی «کتاب الفبا»^۳ لف نیکالایویچ تالستوی^۴ آموخت و از پنج سالگی به زبان فرانسه صحبت می‌کرد.



آنیاً - تسارسکویه سیلو - ۱۸۹۴

آخماتوا اولین شعر خود را در یازده سالگی سرود. مادرش با زمزمه اشعار گاوریللا درژاوین^۵ و نیکالای نکراسوف^۶ او را با شعر و شاعران روس آشنا کرد. در سال ۱۹۰۷ دبیرستان را به پایان برد و وارد دانشکده حقوق کی‌یف شد، اما از ادامه آن منصرف گردید. در سال ۱۹۱۰ با نیکالای ستیانوویچ گومیلیوف^۷ شاعر بزرگ سده بیست روسیه ازدواج کرد: «بیست‌وپنجم آوریل ۱۹۱۰ با ن.س. گومیلیوف ازدواج کردم» (آخماتوا ۲۰۰۹، ۲۰).

1- Аня (Ania) تحبیبی آنا

2- Царское Село (Tsarskoe Silo)

3- "Азбука" (Azbooka)

4- Лев Николаевич Толстой (Lef Nikolaevich Talstoy)

5- Гаври́ла Державин (Gavrila Dirzhavin)

6- Никола́й Некра́сов (Nikalai Nikrasef)

7- Никола́й Степа́нович Гумилёв (Nikalai Stipanevich Goumiliof)



آنا گورنکا (آخماتوا) - ۱۹۰۴

آخماتوا شعر «او سه چیز را در دنیا دوست داشت» را دربارهٔ ویژگی‌های اخلاقی نیکالای گومیلیوف^۱ سروده است:

Он любил три вещи на свете:
За вечерней пенье, белых павлинов
И стёртые карты Америки.
Не любил, когда плачут дети,
Не любил чая с малиной
И женской истерики.
...А я была его женой.

9 ноября 1910, Киев

۱- برای آشنایی بیشتر با گومیلیوف به کتاب «نیکالای گومیلیوف و مشرق‌زمین» از همین مؤلف چاپ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال ۱۳۹۱ مراجعه شود.



نیکلای استپانوویچ گومبیلوف

او سه چیز را در دنیا دوست داشت:
نیایش شب‌هنگام، طاووس‌های سفید
و نقشه‌های ساییده و رنگ‌پریده آمریکا را.
او دوست نداشت، گریه کودکان را
دوست نداشت، چای با مربای تمشک را
و پرخاشجویی زنانه را.
...اما من زن او بودم.

۹ نوامبر ۱۹۱۰، کی‌یف



آنا گورنکا (آخماتوا) - ۱۹۰۶-۱۹۰۵

آخماتوا در سال ۱۹۱۰ به دانشکده تاریخ و ادبیات راه یافت. او تحت تأثیر ایناکیتی فیودورویچ آئنسکی^۱ شاعر روسی بود. در آن زمان دوره سمبولیسم به سر آمده بود، او و نیکالای گومیلیوف به همراه چهار شاعر مشهور دیگر اوسپ ماندلشتام^۲، سرگئی گارادتسکی^۳، ولادیمیر ناربوت^۴ و میخائیل زینکوویچ^۵ مکتب آکمه ایسم را در روسیه پایه گذاری کردند. بازتاب این مکتب در اشعار او تأثیر زیبا و ماندگاری به جای گذاشته، به طوری که شعر او را در میان معاصرانش متمایز گردانیده است.

آثار آخماتوا علاوه بر برخوردار بودن از محبوبیت مردمی، مورد توجه شاعران، نویسندگان و منتقدانی مانند نیکالای گومیلیوف، آندره پلاتونف^۶، اوسپ ماندلشتام، باریس پاسترناک^۷، آلكساندر بلوک^۸، مارینا تسویتایووا^۹، نیکالای نیدابراو^{۱۰}، باریس ایخنباوم^{۱۱} و دیگران بود. آلكساندر بلوک با تقدیم شعری به آنا آخماتوا شاعره هم عصرش، در وصف حال و شعرش چنین سرود:

А́нне Ахма́товой
 «Красо́та стра́шна» — Вам ска́жут, —
 Вы накі́нете ле́ниво
 Шаль испáнскую на плéчи,
 Кра́сный ро́зан — в волосáх.

«Красо́та проста́» — Вам ска́жут, —
 Пе́строй шáлью неумéло
 Вы укро́ете ребéнка,

1- Иннокéнтий Фёдорович А́неннский (Innakenti Fioderevich Anenski)

ایناکیتی فیودورویچ آئنسکی (۱۸۵۵-۱۹۰۹) - شاعر، نمایشنامه نویس، مترجم، منتقد، پژوهشگر زبان و ادبیات و مربی آموزشی.

2- О́сип Манделъштáм (Osip Mandelstam)

3- Серге́й Городе́цкий (Sergei Garadetski)

4- Влади́мир На́рбут (Vladimir Narboot)

5- Михаи́л Зенке́вич (Mikhail Zinkevich)

6- Андре́й Плато́нов (Andrei Platonev)

7- Бори́с Леони́дович Пастерна́к (Boris Leanidevich Pastirnak)

8- Алекса́ндр Алекса́ндрович Блок (Aliksandr Aliksandrevich Blok)

9- Мари́на Ива́новна Цвета́ева (Marina Ivanevna Tsvitaeva)

10- Никола́й Влади́мирович Недоброво́ (Nikalai Vladimirevich Nidabravo)

11- Бори́с Миха́йлович Эйхенбаум (Baris Mikhailevich Eikhenbaum)

Красный розан — на полу.

Но, рассеяннo внимая
Всём словам, кругом звучащим,
Вы задумаетесь грустно
И твердите про себя:

«Не страшна и не проста я;
Я не так страшна, чтоб просто
Убивать, не так проста я,
Чтоб не знать, как жизнь страшна». <16 декабря 1913>



نقاشی آنا آخماتوا - ۱۹۱۴

به آنا آخماتوا

به شما می‌گویند: «زیبارو و وحشتناک»

با تنبلی می‌اندازید

شال اسپانیایی را به روی شانه،

گل بامیه‌سرخ در میان موها جا گرفته.

به شما می‌گویند: «زیبارو و ساده»

با شال رنگارنگ
ناشیانه می پوشانید بچه را،
گل بامیه سرخ بر روی زمین افتاده.

اما، پریشان با دقت گوش می دهد
به همه واژه ها، طنین انداز در اطراف،
شما غمگین می اندیشید
و درباره خود محکم می گوئید:

«من وحشتناک و ساده نیستم؛
من آن چنان وحشتناک نیستم، که فقط
بکشم، و چنان ساده نیستم من،
که ندانم، زندگی چه وحشتناک است». ۱۶ دسامبر ۱۹۱۳

آخماتووا خیلی زود سرودن را آغاز کرد. معروف ترین مجموعه های اشعار او «شامگاه»، «تسییح»، «فوج سپید»، «بارهنگ»، «آنو دومینی/پس از میلاد»، «نی»، «فرد» و «گذرتند زمان» هستند که در ادامه ضمن معرفی آن ها اشعاری از هر یک از مجموعه ها برای نمونه نیز آورده می شود. لازم به یادآوری است که اشعار چاپ نخست در مجموعه ها گاهی متفاوت از چاپ های بعدی هستند. در فصل چهارم کتاب نیز درباره برخی از اشعار این مجموعه ها توضیحات صرفی و نحوی و همچنین تحلیلی اثیخنائوم به شکل کامل آمده است.

شامگاه

آنا آخماتووا در سال ۱۹۱۲ اولین مجموعه شعر خود را با نام «شامگاه» به چاپ رساند. موضوع اصلی این مجموعه «عشق» است و با شعری با همین نام آغاز می شود. «احساس انتظار، لحظه های ملاقات ها، جدایی، خاطره - احساساتی که دنیای درونی قهرمان زن شعر آخماتووا را سرشار کرده - اند» (بوسلاکوا ۲۰۰۶، ۵۳).